

تجربه آزمون تافل

مریم

تهیه شده برای گروه تافل هلدینگ پرگار

<http://pargar.group>



PargarWiki



PargarTOEFL

خلاصه وضعیت:

| تاریخ آزمون | نمره ریدینگ | نمره لیسنینگ | نمره اسپیکینگ | نمره رایتینگ | نمره کل | سنتز | تعداد لغات تسک ۱ رایتینگ | تعداد لغات تسک ۲ رایتینگ |
|-------------|-------------|--------------|---------------|--------------|---------|------|--------------------------|--------------------------|
| ۱۴۰۱/۵/۱۵ | ۲۷ | ۲۷ | ۲۳ | ۲۶ | ۱۰۳ | خاتم | ۳۰۷ | ۴۶۱ |

تجربه سنتز:

از اولش بخوام بگم تو سایت گفتن نیم ساعت زودتر اونجا باشین من از استرسم یه ساعت و نیم زودتر اونجا بودم که خسته ترم کرد بهتر بود بیشتر میخوابیدم، چون تا ۹:۳۰ و حتی ۹:۴۵ هم برین اوکیه، از نگهبان دانشگاه تا مسئول و مراقبای سنتز همه رفتار خیلی خوبی داشتن که واقعا برای کاهش استرس خیلی خوبه. حواستون باشه دقیقا مدارکی که تو سایت قسمت identification وارد می‌کنین رو ببرین نه کمتر نه بیشتر، من پاسپورت و شناسنامه زده بودم که با همون پاسپورت کارمون راه میفتاد، تو سنتز هیچ خوراکی و آبی نمیشه برد خودشونم هیچی نمیدن، ولی تو برک میتونین بیاین بیرون خوراکی از تو کمدتون که کلیدش تو کل آزمون باید همراهتون باشه بردارین بخورین، خودشونم ایمیوه دادن فک کنم. بعد ازتون عکس میگیرن و شماره کابینو میگن، بعد توضیح میدن که داد نزنین و یه فرمی رو پر و امضا کنین، کاغذ باطله هم ۶ تا آچار رنگی میدن که واسه من صورتی بود و اذیتم نکرد. خودکار و مداد میدن که من ازشون خواستم یه خودکار دیگه بدن دادن، ولی تراش نبود. کابینا یک درمیهون پر شده بود و از سه طرف دید نداشتیم، مانیتوراش خیلی بزرگه ولی خوبیش اینه تاچه میتونه کارو راحت کنه، بدیش این بود که انگار پایه نداشت و رومیز بود دقیقا، طوری که کلا سرم رو پایین خم بود و پشت گردنم درد گرفت. من خودم با یه کیبورد خیلی قدیمی که دکمه‌هاش خیلی بلند بود تو خونه کار کرده بودم، واسه همین بنظرم کیبورد سنتز خیلی نرم و اوکی بود و سرعت تایپمو بیشتر از خونه کرد. همدست هم تا حد زیادی صدا رو می‌گرفت. خوشبختانه یک در میون پر شده بودیم و حواس پرتی خاصی من نداشتیم. هر وقت مشکلی باشه دستونو از کابین بیارین بیرون سریع میان واسه کمک. در کل بگم چون همیشه با صدای نویز معروف اسپیکینگ تمرین کرده بودم تو سنتز اذیت نشدم. حتی ماک هم که بی فاصله گذاری بود اذیت نشدم. حتما حتما با همون نویزه تمرین کنین. راستی کارت واکسنم نخواستن و گفتن ماسک اجباریه ولی من کلا ماسکو دراوردم کاری نداشتن. سرویس بهداشتیم همون طبقه بود و به تعداد زیاد. با وجود تموم خوبی‌های خاتم به نظرم اصلا نمی‌ارزه بخاطرش چندماه برنامه‌تونو جابجا کنین یا صرفا چون جای خالی داره ثبتنام کنین و نرسید به آزمون. بقول فریناز پیشونیتون بلند باشه بغل دستیتون خوب باشه حالا هر سنتزی می‌خواد باشه.

پیشینه زبان:

من متاسفانه این شانسو نداشتیم که از بچگی کلاس زبان برم ولی خودم علاقه داشتم برای کنکور کارشناسی با کتابا سعی میکردم ضعفمو پوشش بدم و ۷۰ درصد زدم. بعد که سال اول کارشناسی بودم یک یا دو ترم سفیر شرکت کردم فک کنم لول ۲۰۵ اینا بودم. بعد چون صبح جمعه بود و من حوصله نداشتیم ولش کردم. همون دو ترمم خیلی نخوندم. بعدش کلی سریال انگلیسی دیدم شاید بیست سی تا ولی تقریبا همش با زیرنویس فارسی بود و نمیدونم واقعا تاثیری داشت رو زبانم یا نه. من

اینقد سطح زبانم پایین بود که زبان عمومی دانشگاهو بزور ۱۲ شدم و برای کنکور ارشدم هیچی زبان عمومی نخوندم و فقط یه سوال جواب دادم. بعد چون میدونستم تو مقطع ارشد باید مقاله بخونم ۵۰۴ رو تو تابستون قبل ارشد نصف و نیمه خوندم. بعد دیگه مقاله زیاد خونده بودم و کاری برای زبان نکردم. پاییز ۹۸ تعیین سطح برزابدیو دادم که حدود ۷۰ شدم (البته تقلیم کردم چون میترسیدم زیر ۶۰ بشم و نتونم پری تافل شرکت کنم) و کلاس ریدینگ و رایتینگ پری تافل آقای علمی رو شرکت کردم. ریدینگ خوب بود گوش میدادم کامل و در حد اشنا شدن با نوع سوالات کمک کننده بود. ولی رایتینگ رو واقعا حوصله نمی کشید تکالیفمو انجام بدم. شاید یک سوم تکلیفارو انجام دادم. ولی چون لغت و گرامر ضعیف بودم و حوصله خوندن نداشتم ترم بعدش کلاس و وکب گرامر آقای علمبو شرکت کردم که اونم خورد به کرونا و دیگه خیلی جدی نگرفتمش. همون تابستون و بهار ۹۹ کل بتی آذر با تمریناشو خوندم Essential رو هم خوندم و بعدش ۴۰۰ رو خوندم. این سه تا کتاب وقت خیلی زیادی ازم گرفتن ولی اشتباه خوندم و اکتیو نشدن. چون لغتو مرور نمی کردم و برای گرامرا از خودم مثال نمیزدم که اکتیو شن.

بعد دیگه دیدم بخاطر کرونا نمیشد بموقع دفاع کنم بیخیال اپلای شدم و زبانو گذاشتم کنار و منتظر باز شدن دانشگاه شدم. دیگه تا خرداد ۱۴۰۰ تمرکز رو پایان نامه بود و تنها کاری که برای زبان کردم این بود که گه گداری یه ویس از TED TALK گوش می کردم و چند تا سریال بدون زیرنویس دیدم. بعد از خرداد ۱۴۰۰ که دفاع کردم چند درس ۱۲۱۲ خوندم با این خیال که پاییز ۱۴۰۰ اپلای می کنم. ولی درگیر یه سری مسائل شدم و بخاطر اعتماد بنفس پایین و کمالگرایی بالا به این نتیجه رسیدم که بدون مقاله و زبان نمی تونم نتیجه ای از اپلای بگیرم. همونطور که میبینی هرسال بهونه خوبی برای عقب انداختن زبان و اپلای داشتم:)) ولی اواخر مهر ۱۴۰۰ تصمیمو گرفتم که دیگه ددلاینای ۱۴۰۱ رو از دست ندم و جدی شروع کنم. تا این جا بیشینه زبانی بود که جدی خوندنم شروع شد.

مقدار ساعت و الگوی مطالعه هفتگی:

تو مهر برنامه دوماهه فریناز رو خوندم و سعی کردم طبق اون عمل کنم. هدفم ۶ ساعت خوندن در روز بود ولی تا چند ماه از مهر تا بهمن و اسفند سه چهار ساعت بیشتر در روز بازدهی نداشتم. بدتر از اون اینکه کل این مدت مجبور به ریوایز چندباره مقاله بودم نمیتونستم پیوسته درس بخونم. همش اینطوری بود که دو سه هفته زبان می خوندم ۲ هفته ادیت مقاله. تو این وضعیت زبان به یه پروسه فرسایشی و با پیشرفت کم تبدیل شده بود. چون هربار ری استارت می شدم و انگار همه چی یادم می رفت. از اواخر فروردین دیگه ادیتای آخر مقالمو داده بودم تصمیم گرفتم صددرصد تمرکز کنم رو زبان. روزی ۶ ساعت میخوندم (با نرم افزار flipd تایم می گرفتم) تا زمانی که ازمونا لغو شد و من حس می کردم اینقد الکی طولش دادم که کلا کنسل شد. بنظر من تو کشوری که باید هرروز خوشحال شیم که هنوز اینترنت داریم کمالگرایی و عقب انداختن این پروسه میتونه برامون گرون تموم شه. بعد از یه مدت دپرسی و ناامیدی تصمیم گرفتم که بخونم نهایتش برم ترکیه امتحان بدم. بعد که ازمونا اوکی شد من تا خود روز امتحان بجز چند روز که حاله خوب نبود ۶ ساعت در روز خوندم.

کلا بنظرم این قسمت ساعت مطالعه و بیشینه تجربه ها رو خیلی جدی نگیرید به چن دلیل. هم اینکه خیلی وقتا ادم درک درستی از توانایی اولیه اشون و سطحشون ندارن واسه همین ممکنه ناخواسته بزرگنمایی کنن در قوی یا ضعیف بودنشون.

بعدش استعداد، اعتماد بنفس، نمره هدف، بازده، حواسپرتی‌های ادما زمین تا آسمون فرق داره. رو حساب تجربه‌ها نرین آزمون ثبتنام کنین که بعدش تو دوراهی ری اسکچول کنم یا امتحانو خراب کنم قرار بگیرین.

تجربه شرکت در کلاس‌های زبان:

همونطور که گفتم از بچگی کلاس نرفتم و فقط دو ترم سفیر رفتم و دوتا کلاس پری تافل که جفتشون فاصله زیادی از امتحانم داشتن. چند جلسه تصحیح رایتینگ و اسپیکینگ داشتم که در ادامه توضیح دادم.

تجربه شرکت در آزمون‌های آزمایشی:

| تاریخ آزمون | نمره ریدینگ | نمره لیسنینگ | نمره اسپیکینگ | نمره رایتینگ | نمره کل | سنتز |
|-------------|-------------|--------------|---------------|--------------|---------|--------|
| ۱۴۰۱/۴/۲۰ | ۲۶ | ۲۴ | ۲۴ | ۲۷ | ۱۰۱ | تافل ۳ |
| ۱۴۰۱/۵/۲ | ۳۰ | ۲۸ | ۲۴ | ۲۵ | ۱۰۷ | تافل ۳ |

من ماک اولو تو شرایطی دادم که روحیه‌ام اصلا خوب نبود و حس میکردم نمیتونم حتی ریکوایرمنتارو بیارم. و واسه همین دیدن نمرم بهم روحیه داد. سنتز هم بنظرم خوب بود ولی خیلی زود نرین یه ربع به شروع امتحانم اونجا باشین کافیه. تو ماک فاصله گذاری نیست پس بنظرم ریسک نکنین که خیلی نزدیک امتحان آزمون بدین. من بین دوتا ماکم نمره‌های ریدینگ و لیسنینگ تو تی پی اوها هیچ تغییری نکرده بود و اونجا بود که فهمیدم ادم نسبت به نمره هیچ اسکیلی نمیتونه مطمئن باشه چون درجه سختی و آسونی سوالات میتونه کل نمررو جابجا کنه. البته بار اول خیلی استرس داشتم و یه سری مشکلات بوجود اومد که بخاطرش بهم ووچر رایگان دادن. ولی درس خوبی که گرفتم این بود که تایمر ریدینگای بخش اسپیکینگ دوتاس یکی ثابت بالا سمت چپ و یکی که count down ه بالا سمت راسته و تو امتحان اصلیم همینه. یه مشکلی که تافل ۳ داره اینه که توضیحات بین تسکای اسپیکینگ برداشته. من سر تسک اولم با صدایی که تو امتحان اصلی good حساب میشد حرف زدم ولی آخر تسک اومدن بهم تذکر دادن و حواسمو پرت کردن چون برگشتم دیدم ریدینگ تسک ۲ شروع شده تایمرم فکر میکردم ثابت 😊 دیگه تسکای بعدیو با حالت پیچ پیچ گفتم ولی اخرش که وویسامو گوش کردم دیدم با کیفیت و وضوح خوبی سیو شده که فکر میکنم امتحان اصلیم همینه. پیچ پیچ نکنین داد هم ننید با صدای معمولی حرف بزنیند کافیه. در کل بنظرم یدونه ماک رو حتما بدین و اگه سنتز آزمون اصلیتون امیر بهادر نیست تافل ۳ بدید که هم سوالاتش جدید هم تصحیحشون بهتره. ولی ترجیحا آنلاین ندین چون باید تو محیط جدید با سروصدای یه عده زیاد تو آزمون حضوری آشنا شین.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لغت:

اواخر مهر که استارت دوباره زدم هرروز یه درس ممرايز ۱۲۱۲ رو می‌خوندم و یه درس بتی آذرو مرور می‌کردم. البته اومدم اسنشیال و ۴۰۰ رو مرور کنم ولی دیدم خیلی خسته کننده و حوصله سربره. با درنظر گرفتن اینکه ۱۲۱۲ اونا رو هم پوشش میده و جدید و جالب‌تره دیگه بیخیال مرور اونا شدم. یه مدت ۱۲۱۲ مرور می‌کردم ولی دیگه تموم شد بعد دوسه ماه اونم برام خسته کننده شد و کنار گذاشتمش. تا یه هفته قبل امتحان دیگه اصلن طرف ۱۲۱۲ نرفتم. وقتی هم که ریدینگ می‌زدم کلماتو تو ممرايز وارد می‌کردم ولی اونم بعد یه مدت خسته کننده شد و ولش کردم دیگه. سرچ کنید آموزش ساخت کورس در ممرايز ویدیوهاش هست. بنظرم نسبت به رو کاغذ نوشتن تاثیر بیشتری داره اگه بهش پایبند باشین.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای گرامر:

این قسمت بنظرم فقط و فقط با چندتا مثال شخصی به کار بردن و تواریتینگ و اسپیکینگ به کار بردن درست میشه. براش کلی کانال ویدیویی خوب هم هست که اسم هر گرامریو سرچ کنین کامل توضیح داده. تو قسمت بیشینه توضیح دادم گرامرو چطور خوندم. بنظرم انقدم درگیر همه چیزرو یاد گرفتن نباشین. رو چندتا گرامر مسلط شین و همونا رو بکار ببرین. اینم اضافه کنم برای شرطی‌ها و اجکتیو کلازها و ریدیوس‌ها وویس‌های الهه بهترین منبعه. من بتی آذرو خونده بودم ولی همه رو قاطی می‌کردم. الهه خیلی بهتر توضیح داده.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای ریدینگ:

تو کلاس پری تافلی که رفتم تی پی او ۱ تا ۱۰ رو کار کردیم اگه اشتباه نکنم. بعد که مهر شروع کردم اول یه دور جزوه رو خوندم و تی پی او یک تا ده رو مرور کردم. ویدیوها و فایل وردای نوتفولو دیدم که بنظرم خیلی عالی بودن. من نمیتونم بگم اولین ریدینگی که زدم چند بوده چون اولینی وجود نداشت و ده تا ریدینگو مرور کرده بودم. ولی از تی پی او بیست شروع کردم که نمرو ۲۰ شد. کلا شاید ۱۰ تا ریدینگ رو رو حالت پرکتیس زدم. چندتای اولش یه ساعت و نیم طول میکشید ولی هی زمان کمتر شد تا به یه ساعت و ۵ دقیقه رسید که دیگه رو حالت تست میزدیم. اگه درست یادم باشه هیچوقت یه پسیج تنها نزدیم همیشه یه تی پی او کامل پشت هم میزدیم. بعدش که تموم میشد بدون اینکه جواب درستارو ببینم یه دور دیگه از اول میزدیم(ولی چون جوابامو کامل یادم بود پاک نمی‌کردم). تو دور دوم که میزدیم حتی سوالایی که درست میزدیم رو دوباره چک می‌کردم چون ممکن بود شک دار یا شانس درست زده باشیم. بعد خیلی دقت می‌کردم که چرا یه سوالیو غلط زدم؟ لغت نفهمیدم؟ معنیشو درمیاوردم. گرامر نفهمیدم؟ یه دور گرامرشو برای خودم توضیح میدادم. بی دقتی کردم؟ از خودم میپرسیدم چرا؟ که اکثر اوقات جوابش این بود که یه کلمه کلیدی تو جمله ها یا گزینه ها یا صورت سوال بوده که تند خوندیم دقت نکردم و معنی جمله رو اشتباه فهمیدیم. من هیچوقت برای لغت خیلی دردرس نداشتم. چون ۱۲۱۲ رو بلد بودمو خیلی از لغاتش هی تکرار میشد تو متنا و مرور میشد. یه سری کلمات خیلی اختصاصیم هستن که باید جاخالی درنظرشون بگیرین و عبور کنین. اوایل خیلی لغت درمیاوردم حتی اختصاصیام درمیاوردم و یادداشت می‌کردم. و هر بار ریدینگ بعدیو میخواستیم بزنم لغات قلیو مرور می‌کردم. ولی دیگه اونم چون خیلی زیاد بود خسته کننده شد. من برای تکنیکایی که نوتفول آموزش میداد خیلی وقت گذاشته بودم حتی ازش جزوه نوشته بودم دوباره میرفتم میخوندم. اوایل که صورت سوالو میخوندم از خودم میپرسیدم نوع سوال چیه؟ نوتفول میگفت چطور ی جواب بدم؟ ولی این داستان مٹ راندگی یاد گرفته شما اولش فکر میکنی گاز و ترمز کجاس؟ الان وقت دنده عوض کردنه؟ ولی بعدش دیگه اتوماتیک این کارارو انجام میدین. منم دیگه بعد یه مدت از اون تکنیکا استفاده می‌کردم بدون اینکه اون سوالارو از خودم بیرسم و اگاه باشم از استفاده کردنم. ولی من اصلا اون روشی که نوتفول میگفت دنبال کلید واژه باشینو استفاده نکردم. همیشه اول سوال رو می‌خوندیم بعد متن رو با دقت از اول میخوندیم (نه که فقط چشمی دنبال کیورد باشیم) بعد که به جواب میرسیدم میرفتم سوال بعدی. اگه این سوال از همون پاراگراف بود به همون روش قبلی میخوندم ولی اگه از پاراگراف بعد بود این پاراگرافو نصفه رها نمی‌کردم تا ته میخوندمش. این کار دو تا دلیل داره. یکی اینکه شما حتما حتما باید کل متن رو خونده باشین که بتونین سامریو جواب بدین(چون اگه

نخونده باشین اون گزینه ای که **not mentioned** هست رو نمیتونین حذف کنین). دوم اینکه متناهی ریدینگ یه دولوپ و منطق دارن. شما وقتی یه پاراگرافو نصفه بزارین روند کل متن از دستتون میره چون یه سری گپ وجود داره تو ذهنتون. یه چیزیم که هست ممکنه آخر یه پاراگراف مقدمه‌ای برای پاراگراف بعدی باشه. شما اون مقدمه رو نخونین نمیتونین پاراگراف بعدم درک کنین. بعضی وقتام یهو سوال میگه ارتباط بین این دو پاراگراف چیه؟ خب اگه نخونده باشین دوباره باید برگردین اون پاراگرافو از نصفه بخونید در صورتی که قبل و بعدشو خوندین و ممکنه گیج شین. من از ۲۰ شروع کردم بعد از یه مدت به ۲۴-۲۵ رسیدم و ثابت موندم بعد از یه مدت طولانی به ۲۷ رسیدم و دیگه پیشرفتی نکردم. غلطام بیشتر سامری بود. اون وویس فریناز تو مشعلو حتما گوش بدین ولی روش حساب باز نکنین و گزینه اخرتون باشه. چون تو ریدینگای اخر و امتحان ممکنه با اون روش فقط یه گزینه رو بتونین حذف کنین. بقول خود فریناز اون روش برای اینه که اگه خواستین شانس بزنین شانس خوبی بزنین. بنظرم وویسای حسین راجع به سامریو حتما گوش بدین. من بعد از شنیدن اون وویسا غلطام به نسبت کمتر شد. خلاصه شو بگم اینه که شما وقتی اول سوال میخونین بعد متن، ذهنتون بایاس داره و دنبال جواب اون سواله به جای اینکه دنبال فهمیدن متن باشه. واسه همین هر پاراگرافی میخونین باید بدونین هدفش و حرف اصلیش چی بود؟ ربطش به پاراگراف قبل و بعد چی بود؟ با عنوان متن چه ارتباطی داشت؟ یه مثال بود براش یا یه نوع خاص ازش بود؟ نظریه‌ای بود که ردش میکرد یا اثباتش می‌کرد؟ شما وقتی این روندو بفهمین تو سامری بهتر میدونین دنبال چی بگردین. همیشه هم شاخکاتون به چند تا مورد تیز باشه. گزینه‌ای که خلاصه دوتا پاراگرافه میتونه کاندید خوبی برای جواب سامری باشه. گزینه‌ای که قید شدید داره مثلا **only** و **drastically** رو شکدار بهش نگاه کنین. حواستونم باشه قرار نیست عین تایپیک سنتس‌ها تو گزینه‌ها بیاد. شما اگه قبل زدن سوال سامری تایپیک سنتس‌ها رو می‌خونید فقط باید به این دید نگاهش کنین که این پاراگراف کلا راجع به چی بود. به کلمات **cause and effect** ی تو گزینه‌ها دقت کنین بعضی وقتا کل جمله درسته فقط ارتباط علت و معلول عکس شده. معمولا تو سوال سامری دوتا گزینه رو میشه با توجه به اینکه اصلا تو متن ذکر نشده یا ناقص متنه حذف کرد. چالش سر سومین گزینه‌اس که پیدا کنین. واسه کسی که حافظه کوتاه مدتش ضعیفه مثل من حتما باید تایم بندیش طوری باشه که سه چهار دقیقه برای سامری بذاره که بتونه برگرده تو متن پیدا کنه گزینه رو. ولی تهش شما یا یک نمره یا دونمره از سامری می‌گیرید خیلی هم گیر ندید بهش طوری که وقت برای جواب دادن به سوالی راحت‌تر متنو هدر بدین. فکر کردن زیاد به گزینه‌ها لزوما براتون جواب درستو به همراه نیاره. کلا برای همه سوالا هنر عبور کردن رو یاد بگیرید. من هیچوقت برنمی‌گشتم سوال شکدارها رو مرور کنم چون وقت نمی‌کردم ولی اگه برگردین شاید از دید جدید به سوالا نگاه کنین بتونین جوابو درست حدس بزنید. در ضمن کل سوالای ریدینگ معمولا دوتا گزینه پرت داره، پس شما شکدار هم بزنید باز ۵۰ درصد احتمال داره درست باشه. برای هیچ سوالی بایاس دار متنو نخونید چون فقط دنبال سرخ میگردین که فرضیتونو تایید کنه و توجهتون به بقیه گزینه‌ها کم میشه. برای سوال هایلایت دقت کنین هسته اصلی متن چپاس؟ فعل و فاعل و موضوع اصلی اون متن چیه و حتما گزینه درست باید اونو داشته باشه. دنبال تفسیر عجیب غریب نباشید صرفا پارافریزی که معنی متن رو عوض نکنه پیدا کنین. راجب تایم بندی هم اینو بگم من خیلی تلاش می‌کردم یه متنو تو ۱۸ دقیقه تموم کنم و وقتی بیشتر طول می‌کشید با استرس و هول هولکی متن بعدیو می‌خوندم و احتمال خطام میرفت بالا. بعد فهمیدم که اصلا اختصاص ۱۸ دقیقه به هر متن کار درستی نیست. بعضی متنا راحتن تا ۱۴ یا ۱۶ دقیقه هم

حل میشن بعضیا سخت‌ترن ۲۰ دقیقه نیاز دارن. پس نه خیلی شل بگیرید که متن راحتو زیادی طول بدین. نه خیلی هول هولکی بخونید که متن سختو زود تموم کنین. من ۱۰-۱۵ تا ژنتی جدیدا که ده سوالیه زدم و بنظرم خیلی بهتر از تی پی اوها بودن و به ازمون شبیه‌تر بودن. من چون اعتماد بنفس نداشتم و وسواس فکری داشتم از ۲۰ تا آخر تی پی اوهارو زدم ولی بنظرم اصلا تعداد ملاک نیست. من اشتباهی که کردم غلطامو یادداشت نمی‌کردم که مرور کنم واسه همین خیلی کند پیش میرفتم. بقول بهفر شما اگه تو هر ۵ یا ۱۰ تا تی پی او نمرتون زیاد نشده بدونین دارین درجا میزنین و ایراداتون تکراریه و پیداش نکردین. کلا ایرادا دو دسته‌ان: یا شما فهم موضوعیتون مشکل داره و نمیتونین متن رو تصور کنین که واسش کرش کورس رو پیشنهاد میدم. خیلی ویدیوهاش موضوعات تی پی او رو پوشش میده. اولاش ممکنه تند تند صحبت کردنشون مخصوصا کورس‌های جان گرین اذیتون کنه ولی بعد از چند تا ویدیو عادی میشه. من جامعه شناسی و zoology رو کامل نگاه کرده بودم تاریخ و بیولوژی و روانشناسی هم تا نصفه. اگه مشکلکون نوع سوال خاصیه برین نوتفولو ببینین یا تو یوتیوب سرچ کنین ببینین چی میشه که این سوالو اشتباه می‌زنین. مثلا من سوالای purpose رو خیلی اشتباه می‌زدم چون فکر می‌کردم دقیقا باید به جمله قبل خودش برگرده ولی بعدش فهمیدم می‌تونه سه تا جواب داشته باشه. یا جمله قبلشو توسعه داده باشه یا به مقدمه‌ای گفته باشه واسه جمله بعد یا تایپیک سنتنس رو ثابت کرده باشه و جواب می‌تونه یکی از اینا باشه. من فایل‌های مشعلو کامل خوندم. به فایل داره مشکلات ریدینگ اونو حتما گوش بدین. ۶ تا تحلیل دقیق متن هم از حسین تو گروه و فک کنم تو مشعل هست اونام ببینید. من هم پیچ پیچ کردن، هم تو ذهنم خوندن و هم چشمی خوندن رو امتحان کردم. دیدم اولی خیلی وقتمو می‌گیره و ممکنه تو سستتر با واکنش بقیه مواجه شم پس بیخیالش شدم. چشمی هم می‌خوندم می‌دیدم غلطام میره بالا چون بعضی کلمه‌ها رو نمی‌بینم و حواسم پرت میشه مجبور می‌شم دوباره برگردم از اول بخونم. واسه همین تو ذهنم خوندن رو انتخاب کردم. به چیزیم بگم متناهی ازمون خیلی ریزتر از تی پی او و تست هله‌پره و فاصله خط هاشم کمتره (به عکسی هست از ازمون اتچ می‌کنم) من سر ازمون تا اواسط ریدینگ اول داشتم با این موضوع کلنجار میرفتم. چون اصن حتی نمیتونستم تعداد پاراگرافا رو تشخیص بدم اینقد که تو هم بود و همین تمرکزمو بهم زد و با به دید ضعیفی داشتم سوالارو جواب میدادم. البته علت اصلیش میتونه این باشه که من خواب بودم واقعا که حالا بعدا توضیح میدم. به نکته‌ای هم حواستون باشه واسه تنظیم وقت ملاکتون تعداد سوالا نباشه تعداد پاراگرافایی که خوندین باشه. چون به پاراگراف کوتاه می‌تونه دوتا سوال داشته باشه و به پاراگراف طولانی می‌تونه به سوال داشته باشه. درضمن مثلا سوال ووکب وقت کمتری می‌خواد نسبت به هایلایت. حواستون باشه سوالو با دقت بخونین چون بعضی وقتا ما به کلمه کلیدی می‌بینیم تو سوال و حدس می‌زنیم سوال رو ولی ممکنه سوال کلا به چیز دیگه پرسیده باشه و مجبور شیم دوباره برگردیم. من حتی اگه از به گزینه‌ایم خیلی مطمئن بودم باز هرچهار تا گزینه رو می‌خوندم که نکنه گزینه بهتری هم باشه. برای سوال سامری عادت داشتم تو چکنویسم خط بکشم رو گزینه‌ها مثلا میدونم C غلطه بنویسم خط بکشم. ولی تو ازمون abcd نبود کلا گزینه‌ها اسم نداشتن. در کل سوالای ازمون خیلی استانداردتر از تی پی اوهاست هیچ غلط املائی و نگارشی نداره (مث تی پی اوهای آخر که از این نظر فاجعه‌ان) هم اینکه اصطلاحای سختو یا تو پرانتز توضیح داده یا هاپیر لینک کرده روش کلیک می‌کنی توضیحا پایین گزینه‌ها میاد. راجب ریدینگای تافل روایات مختلفه بعضیا بودن نسبت به ماکاشون و تی پی اوها تا ۵ نمره کمتر شدن بعضیام نمرشون بهتر از ماک و تی پی اوшон شده. بنظرم هم اینکه آدما توانایی کنترل استرسشون فرق داره

بعضیا استرس باعث میشه تمرکزشون بالاتر بره بعضیام مثل من فلج روحی میشن. و اینکه در کل همه متنای ریدینگ روزای مختلف در یه سطح نیستن. بعضیام تو بعضی موضوعها ضعف دارن و بسته به شانسشون ممکنه نمرشون تغییر کنه. بعدشم شما مَث تی پی اوها جواب بدین تو امتحان یکی دونمره بیشتر می‌شین بخاطر اسکیل. پس به نمره فک نکنین و فقط از اشتباهاتون درس بگیرین.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لیسینینگ:

من برای این تسکم مَث ریدینگ ویدیوهای نوتفولو دیدم و هیچ کلاسیم نرفته بودم. اولین تی پی او ۱۶ شدم. اصلا بلد نبودم نوت بردارم و فقط تا می‌تونستم کلمه می‌نوشتیم. اولش چند تا لکچرو کانورسیشن رو سعی کردم ترنسکریپتشنو خودم کامل بنویسم مثل املا. ینی چند ثانیه گوش میدادم بعد با رعایت علائم نگارشی جمله رو کامل مینوشتیم و میرفتم بعدی. این کار با اینکه کلا دو سه بار انجام شد ولی تاثیر خیلی خوبی رو نوت برداریم گذاشت. چون هم یاد گرفتم چطور مفاهیم رو به ذهن بسپرم هم اینکه درک بهتری از وقفه‌های تو لکچر داشته باشم واسه گذاشتن کاما و نقطه. علاوه بر این فهمیدم که مثلا فرق can و can't تو تلفظ خیلی کمه و با دقت بیشتری گوش بدم یا معنی چه لغاتیو نمیدونم و چطوری میشه بدون دونستن معنیشون گیج نشم و روند رو درک کنم مثل ریدینگ. بعد رفتم نوت تیکینگ تو یوتیوب سرچ کردم هم نوتفول داشت هم جاش هم مگوش. همه رو گوش دادم و یه اصل یاد گرفتم: اول بفهم بعد نوت بردار. تا یادگیری مین ایدیا و نکات مهم رو بگی. درضمن من اصن نمیتونستم بدون مصوت نوت بردارم و املائی کامل کلمه رو مینوشتیم:)) دلیلشم این بود که تا میومدم فک کنم چیو بنویسم و ننویسم از لکچر جا می‌موندم. کلا هرکی لم خودشو داره بعضیا بدون نوت ۳۰ شدن بعضیا با نوت زیاد. خودم چون حافظه کوتاه مدتیم ضعیف بود و خیلی راحت فکرم می‌پرید و حواسم پرت می‌شد نوت زیاد برمی‌داشتم (مثلا برای لکچر یه روی برگه آچار کامل نیازم می‌شد) ولی واسه جواب دادن به حافظم بیشتر رجوع می‌کردم تا نوت. ینی خود عمل نوشتنش باعث میشد بهتر یادم بمونه. در ضمن من خیلی جاها که از لکچر جا می‌موندم یا کلمه انگلیسی که به کار می‌برد سخت بود، چند کلمه رو فارسی می‌نوشتیم و این باعث میشد کمتر میس کنم. بعضا دیدم تو گروه تا یه نفر که نمرش بالا میشه می‌گه من نوت برمی‌داشتم یا برنمی‌داشتم، بعضی از بچه‌ها تصمیم می‌گرفتن همون کارو بکنن و استراتژی خودشونو تغییر بدن. ولی این کار اشتباهیه ببینید چی براتون خوبه. تو این اسکیل هم فایل‌های مشعل و مخصوصا مشکلات لیسینینگ رو ببینید. من روند این اسکیل مَث ریدینگ بود ولی ۴-۵ نمره کمتر می‌شد چون لم نوت برداریمو پیدانکرده بودم. ولی اخراش لیسینگامو بهتر از ریدینگ می‌زدم و حتی ارزو می‌کردم تو امتحان لیسینینگ لانگ بهم بخوره که متاسفانه نشد. واقعا با فریناز موافقم تو این تسک باید زیاد گوش بدین. تی پی او زیاد بنزین پادکست علمی و غیر علمی گوش بدین. اینطوری گوشتون عادت میکنه. برای این تسکم مثل ریدینگ توصیه می‌کنم crash course ببینید و موضوعاتی که ضعیف هستین رو تقویت کنین. چند نکته هم راجع به سوالای این بخش بگم. اول اینکه هیچ وقت تا لکچر و کانورسیشن تموم نشده پیش خودتون راجع به مین ایدیا تصمیم نگیرید. بعضی وقتا دانشجو میره راجع به یه مشکلی با استاد حرف بزنه ولی استاد بحث یه چیز دیگه رو پیش می‌کشه و کل مکالمه حول اون می‌چرخه. این جور مواقع دیگه جواب سوال "دانشجو چرا رفت پیش استاد؟" با اینکه "مین ایدیا کانورسیشن چی بود؟" فرق داره. تو لکچرا هم بعضی وقتا استاد میاد میگه جلسه قبل راجع به X حرف زدیم این جلسه راجع به Y می‌خوایم حرف بزنیم. این جا نیاین تصمیم قطعی بگیرین که Y مین ایدیاس. چون ممکنه دانشجو

یه سوال راجع به جلسه قبل یا راجع به یه زیر مجموعه از ۷ پرسه که دیگه کل لکچر راجع به اون سوال باشه و مین ایدیا چیز دیگه‌ای باشه. بعضی وقتام (مخصوصا تو تی پی اوهای ۶۰ به بعد) دوتا گزینه به مین ایدیا می‌خوره ولی یکی از گزینه‌ها با اینکه ممکنه خیلی بیشتر بخوره ممکنه یه کلمه کلیدی داشته باشه که تناقض داشته باشه با لکچر پس حواستون باشه هیچ کلمه‌ایو نادیده نگیرید. راجع به اون سوال آخر که میگه منظور استاد چی بود با گفتن این جمله، خیلی وقتا به نوتتون رجوع کنید یا به حافظتون ببینید قبل و بعد اون جمله داستان چی بوده (مثل سوال purpose ریدینگ) و این می‌تونه بهتون دید بده که اگه از لحن استاد یا کلماتی که به کار برده منظورو نگرفتین از قبل و بعدش حدس بزنید. راجع به سوالایی که ترتیب مهمه پروسه یه چیز یو می‌پرسه حتما به نوتتون رجوع کنید حتی اگه مطمئنن یادتوننه. ولی قسمت ترکیبی این بخش اینه که بعضی وقتا استاد تو مراحل یه چیزی یه گریزی به مرحله قبلی هم می‌زنه و واسه همین نوتتون ممکنه گمراه کننده باشه. پس وقتی دارین نوت برمی‌دارین و می‌بینید داره مراحل چیزی گفته می‌شه حواستون باشه همونجا نوت درست بردارید و دقیقا ترتیبو یاد بگیرید. سخت‌ترین سوالی که تو این زمینه دیدم فک کنم تی پی او ۴۹ راجع به permafrost بود که حتی بار دوم گوش دادم متنشم جلو چشم بود باز نمی‌تونستم جواب بدم. ازونجایی که ارزش سوالا تو امتحان یکیه اگه شک هم داشتن خیلی وقت نذارین رو این سوال چون ممکنه وقت سوالای خیلی راحت‌ترو بگیرید. راجع به این سوال که نظر استاد راجع به فلان موضوع چی بود؟ من همیشه تو نوت برداریام تا استاد می‌گفت به نظر من یا بنظر دانشمندای اون زمان دور اون نظره خط می‌کشیدم که یادم نره و بتونم سوالو جواب بدم. بنظرم قلق اصلی لیسینینگ نوت درست برداشتنه و قلق اصلی نوت درست برداشتن فهمیدن روابط cause and effect و زیر مجموعه‌های هر تایپیک و پیش بینی سوال‌ها. یه سوالم که معمولا میاد راجع به مثالاس. شما همیشه موقع گوش کردن به هر مثالی از خودتون بپرسید این مثال رو برای چی آورد؟ خواست موضوعی که قبلش گفته رو ثابت کنه؟ خواست نقضش کنه؟ خواست یه مقدمه بگه واسه موضوع بعدی؟ ربط این مثال به تایپیک یا ساب تایپیک چی بود؟ شما ممکنه یه قسمتی از لکچرو میس کنید یا اصلا نفهمین ولی حتی تو این جور مواقع هم اگه چند تا کیورد ازش بنویسین و روند لکچرو متوجه شین می‌تونین جواب درستو حدس بزنید. یه نکته جالب راجع به لیسینینگ اینه که بعضی وقتا از ایدیم استفاده میشه و دقیقا یه سوال از اون بخش میاد. مثلا یه لکچر راجع به یه روش آموزش معلما تو تی پی اوهای آخر بود که یه جاش گفته بود ... this method lies at the heart of معنی این ایدیم میشه که مهمترین بخش این روش ... هست. تو اینجور سوالا شما ممکنه اصلا اون ایدیم به گوشتون نخورده باشه ولی به گزینه‌ها که دقت کنین میتونین تشخیص بدین راجع به چه موضوعی اصلا صحبت نشده بود و اون گزینه حذفه که به جواب اصلی برسید. کلا هم برای ریدینگ هم لیسینینگ دنبال حذف گزینه باشید تا دنبال گزینه درست. بنظرم ریدینگ زیاد زدن از یه حدی به بعد نه تنها تاثیر مثبت نداره بلکه ممکنه خسته کننده باشه ولی لیسینینگ هرچی بیشتر گوش بدین قوی‌تر میشین. به دوتا موضوع هم دقت کنین یکی اینکه ممکنه لیسینینگ با لهجه بریتیش یا استرالیایی بیاد براتون (خدا رو شکر هندی نمیداد 😊) و شما باید براش آماده باشین که چندتا کانال بریتیش آخر تجربه معرفی می‌کنم که باعث میشه گوشتون عادت کنه. برای من چیزی بریتیش نیومد ولی بنظرم اصلا پنیک نزنین. یه هفته قبل امتحان من بچه‌ها گفتن براشون بریتیش اومده و بخاطر همین بد دادن امتحانو و من خیلی ترسیدم ولی بعدش رفتم چند تا پادکست بریتیش علمی گوش دادم دیدم واقعا هیچ تاثیری تو فهمم نداره. حتی بریتیش‌ها خیلی وقتا غلیظ‌تر و واضح‌تر از امریکن‌ها حرف می‌زنن. البته

من کلی سریال بریتیش و فوتبال با گزارش بریتیش هم دیدم شاید اینم بی‌تاثیر نبود. نکته دوم اینکه تو اکثر تی پی اوها بجز آخریا ترتیب اینجوریه (یک کانورسیشن - یک لکچر) - (یک کانورسیشن - دوتا لکچر) - (یک کانورسیشن - یک لکچر) (درصورت لانگ بودن)). ولی تو امتحان اصلی ممکنه جای اینا عوض شه پس حواستون باشه همون اول تایم هر سکشن رو نگاه کنید که ۱۰ دقیقه اس یا ۶,۵ دقیقه (یا ۱۷ سواله یا ۱۱ سوال) که اشتباهات وقتتونو هدر ندین (منم اینو نمیدونستم و هم دوستم ماک داده بود اینو متوجه شد هم تو تجربه یکی خوندم که اشتباه کرده و همین باعث شده ۳۵ ثانیه وقت بذاره برای یه لکچر و کلی نمرش کم شه). من ماک که دادم صدای استاد و دانشجوها اکثرا جدید بود برام ولی تو آزمون اصلی همون صداهای تی پی اوها بود و همین یخورده ریلکسم کرد. یه چیزی هم حواستون باشه که وقتی رو حالت پرکتیس میزنن ممکنه اصلا به تایم فکر نکنید و فک کنین کمبود وقت تو امتحان مسئله ای نیست، ولی هرچی به سمت تی پی اوهای اخر نزدیک میشین میبینین که گزینه‌ها تریکی تر و طولانی‌تر میشن و سوالا مفهومی‌تر و جزئی‌تر، پس احتمال اینکه وقت کم بیارین کم نیست. با توجه به زمانبندی خود تی پی اوها شما باید برای هر لکچر ۳,۵ دقیقه و برای هر کانورسیشن ۳ دقیقه وقت بذارید ولی این حداکثرشه و معمولا کانورسیشن کمتر طول می‌کشه و شمام خبرنگارین لکچر بعدی چقدر قراره سخت باشه و زمان اضافه بخواد. پس خیلی هم لفتش ندین. تو امتحانم وقتی یه سوالیو خیلی طول بدین تایمر چشمک‌زن میشه و این خودش ممکنه بهتون استرس وارد کنه. درضمن تو امتحان مثل تست هلپر نیست که خودتون عکسارو چپ و راست کنین. به هر موضوعی میرسه عکسش خودش میاد. یه چیز دیگم اینکه من همیشه تو نوت‌هام سال‌ها رو هم وارد می‌کردم. درسته که سوال نمی‌پرسه فلان موضوع تو چه سالی اتفاق افتاد ولی وقتی می‌پرسه نظر مردم تو دهه ۱۹۶۰ راجع به فلان موضوع چی بود شما باید بدونین تو اون ترتیب تاریخی که تو لکچر گفته کجا بحث از نظر مردم بوده پس برای راحتیتون بنویسید. کلا روش بررسی لیسنینگم این بود که وقتی تموم میشد یه دور دیگه از اول گوش میدادم و دوباره سوالارو جواب می‌دادم بعد دوباره با ترنسکرپت گوش میکردم و جوابایی که مرحله قبل اشتباه بود حل میشد برام. ترنسکرپتم مثل ریدینگ بررسی میکردم یعنی لغت درمی‌آوردم و گرامرو بررسی می‌کردم. دیگه هر چی به جلو میرفتم تایم بررسیم کمتر میشد کلا ترنسکرپتو کنار گذاشتم یا فقط اون قسمتی که تو گوش کردن دوباره متوجه نمیشدم رو نگاه میکردم. بعد که غلطام کمتر شد دیگه اون لکچرها و کانورسیشن‌هایی که غلط نداشتمو گوش نمی‌کردم و فقط سوالاشو میدیدم که اگه سوالیو شکدار زدم و درست بوده تو متن ببینم چی شد که مطمئن نبودم از جواب. هفته‌های اخرم دیگه کم کم دوباره گوش کردنو کامل حذف کردم و فقط غلطامو چک می‌کردم. اینم بگم من هیچوقت با سرعت بیشتر از ۱ هیچ لیسنینگیو گوش نکردم. چون معتقد بودم برای کسی که نوت برمی‌داره کل پروسه پیشرفت تو این اسکیل باید حول بهینه کردن نوت برداری و تنظیم سرعت نوت برداری با سرعت فایل صوتی بچرخه و با سرعت زیاد گوش کردن این پروسه رو مختل میکنه. یه تایمی هم فکر می‌کردم کلا نوت برداریم اشتباهه و حتی می‌خواستیم کلاس نوت برداریم برم 😊 ولی با صحبتی که با فریناز داشتم نظرم عوض شد. بهم گفت تو مشکل نوت برداری نداری و گرنه ۲۵ نمی‌شدی. تو این نمره بیشتر مشکل ضعف موضوعیه که دیدم راست می‌گه غلطام اکثرا تاریخ و آرت هیستوری بود. واسه همین هرروز حداقل یه دونه ویدیو تاریخی کرش کورس و یدونه ویدیوی آرت هیستوری از کانالی که فریناز معرفی کرده بود و آخر تجربه میذارم نگاه کردم. خوییش این بود این ترسم از این دوتا موضوع ریخت و دیگه با دید ضعف بهشون نگاه نمی‌کردم. یه چیز دیگم که بهم گفت این بود که بشین نوتو از اول تا آخر نگاه کن با لکچر ببین کجا از

دست دررفته؟ کجارو اضافه نوشتی؟ اگه بخای از رو نوت لکچرو توضیح بدی کجاش ناقصه؟ که دیدم اون موردیا رو شماره نمی‌زنم بهش دقت نمی‌کنم یا اینکه یه چیزی دلیل یه چیز دیگست رو درست نشون نمیدم تو نوتام و واسه همین یه علامت خاص براش انتخاب کردم. بعد از صحبتیم با فریناز اعتماد به نفسم تو این تسک خیلی بالا رفت و نمره‌هام پیشرفت کرد که واقعا ازش ممنونم.

جمع‌بندی ریدینگ و لیسنینگ:

بنظرم اگه پایه ضعیفی دارین این دوتا اسکیل رو خیلی جدی بگیرید چون به حالت پسیو دانشتون سنجیده میشه و می‌تونن تا حد زیادی کمبود نمره دوتا اسکیل دیگه رو جبران کنن. من اون اوایلی که شروع کرده بودم باورم نمیشد روزی بتونم بالای ۲۵ بزنم ولی انقد وقت گذاشتم و بررسی کردم که به ۲۸ هم فکر می‌کردم. کلا اوایلی که شروع کردم یک روز در میون یه تی پی او لیسنینگ و ریدینگ می‌زدم و همون بررسیش به شدت خستم می‌کرد. اوایلم رو مود پرکتیس می‌زدم جفتشو بعد هرکدوم رو حالت تست زدم. فکر می‌کنم از تی پی او ۲۰ تا ۳۵ رو این دوتا تسکو هرکدوم تو یه روز می‌زدم. ولی بعد اون تا آخر تی پی اوها این دوتا اسکیلو پشت هم بدون فاصله می‌زدم. اوایلش قشنگ جون میدادم و واسه لیسنینگ خسته می‌شدم ولی بعد یه مدت دیگه عادی شد. از مهر تا عید بخاطر درگیری‌های مقاله پیوسته نخوندم و فکر کنم از تی پی او ۲۰ تا ۳۸ اینارو زدم ولی از فروردین تا روز امتحانم تا تی پی او ۷۴ رو زدم. چندتا ژنتی و قبل بیست هم زدم. بنظرم برای اینکه مثل من شونصدتا تی پی او نزنین آخرشم نتیجه عالی که دوس دارین از دستتون نپره رو بررسی و تحلیل و مرور خیلی بیشتر از تی پی او جدید زدن وقت بزارید. من فکر می‌کردم همین که غلطامو میبینم و یه دور دیگه اون سوالو می‌زنم باعث میشه یادم بمونه و دیگه تکرارش نکنم. ولی نزدیکای امتحان رفتم غلطای چند تا تی پی اوای قدیممو دیدم متوجه شدم هنوز یه سری چیزا رو مشکل دارم. اگه برمی‌گشتم عقب هر ۵-۶ تا تی پی او یه دور مرور غلط قبلی‌ها رو تو برنامه می‌ذاشتم و هدف تعیین می‌کردم که مثلاً تو ۵ تا تی پی اوای بعدی این نوع سوالو دیگه اشتباه نزنم یا این موضوع رو برم راجیش فیلم یوتیوب ببینم یا حتی عکس ببینم که برام جا بیفته. بنظرم این اسکیلا کوچیک‌ترین نیازی به کلاس رفتن ندارن ویدیوهای نوتفول و جاش و مگوش تو یوتیوب همه چیو کامل توضیح میدن و شما فقط نیاز دارین که تمرین کنین و لم خودتونو در بیارید. سعی کنین بجای تی پی اوای چینی از تست هلپر استفاده کنین که با فرمت لانگ کنار بیان(تست هلپر از تی پی اوای ۴۰ بعد ریدینگ از ژنتی و لیسنینگو نمیدونم از کجا اضافه کرده). درضمن من اون سوالای حذف شده ریدینگ ۴۰ بعدم تو تی پی اوای چینی می‌زدم و اگه حوصله داشتم لکچر حذف شده هم گوش می‌کردم.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای اسپیکینگ:

من تا قبل از شروع تی پی اوها تو زندگیم ده دقیقه هم انگلیسی حرف نزده بودم و چون هیچ کلاسی هم نرفته بودم خیلی از این تسک می‌ترسیدم. معمولاً بچه‌هایی که کلاس زبان (مخصوصاً کانون زبان) رفتن تو این تسک فقط نیاز به یادگیری برین استورم و خلاصه کردن دارن و مشکل خاصی برای تلفظ و گرامر و ایتونیشن و انتخاب کلمات ندارن. ولی افرادی مثل من که کلاس نرفتن باید از بیس این اسکیلو یاد بگیرن و این خودش زمان طولانی از آدم می‌گیره. من بعد از اینکه از تی پی او ۲۰ تا ۳۰ ریدینگ و لیسنینگ زدم شروع کردم اسپیکینگ و رایتینگو از ۲۰ بزنم و یه مدت ریدینگ و لیسنینگو رها

کردم که کار اشتباهی بود چون انگار به تنظیمات کارخونه برگشتم باز. کلا هیچ اسکیلو واسه بیشتر از یکی دو روز رها نکنین. من برای اسپیکینگ ویدیوهای تافل ریسورسز و نوتفولو دیدم و با سبک سوالا و این که کلا هر تسک چی می‌خواد آشنا شدم و همون تمپلیت تافل ریسورسز رو انتخاب کردم. بعد شروع کردم یه روز اسپیکینگ یه روز رایتینگ کار کردن. برای اسپیکینگ مثلا تسک یک رو میدیدم چند دقیقه فکر می‌کردم و سعی میکردم تو همون ۴۵ ثانیه یه جوابی بدم. با سایت otter.ai متن اسپیکینگمو در میاوردم (سایت beecut.com و بات تلگرام voicybot هم این کارو میکنن) و با اکانت پرمیوم گرامرلی و کوپل بات چکش میکردم. اینجا میفهمیدم کجا مکث نکردم و مثلا نقطه کاما رو نیاورده، کجا کلمه رو مفهوم نگفتم و اون سایت یه چیز دیگه نوشته، کجا تلفظم اشتباه بوده که کلمه رو عوض کرده و تو دیکشنری لانگمن تلفظارو چک میکردم و دولوپمو بررسی میکردم و غلطای گرامریو در میاوردم و دوباره ضبط میکردم. این کارو بالای ۱۰ بار انجام میدادم تا به یه وویس ایده آل برسم. بعضی وقتام که سوال سخت بود و ایده براش نداشتم سمپل تو خود سایت تست هلپر (اون دختر چینیه) یا سمپل‌های یاسمینو (لینکشو آخر میذارم) گوش میکردم و سعی میکردم همونارو یخورده تغییر بدم و تکرار کنم. برای تسکای ۲ تا ۴ روشم فرق داشت. اصلا به زمان اهمیت نمیدادم و مثلا از یک دقیقه و ۴۰ ثانیه شروع میکردم و همون کارایی که برای تسک ۱ گفتمو انجام میدادم و تو ترای‌های بعدی سعی میکردم در کنار رفع مشکلا دیگه زمانم کم کنم و اینجوری میشد که این تسکام بالای ۱۰ بار ضبط میکردم. یه کار دیگم که میکردم این بود که ترنسکرپت رو نگاه میکردم و لکچرو دوباره گوش میکردم که ببینم کجاها رو اشتباه فهمیدم یا تلفظام اشتباه بوده. شاید بزرگترین اشتباهم برای تافل بعد از مدیریت نکردن استرسم این بود که اسپیکینگ و رایتینگ رو با یه روند ثابت برای یه مدت طولانی تمرین کردم و خیلی دیر شروع کردم رو حالت تست این اسکیلارو انجام بدم که اونم اگه با حسین صحبت نکرده بودم معلوم نبود تا کی میخواستم تکرار کنم. بنظرم این کارایی که برای اسپیکینگ گفتم در حد ۵ تا یا نهایتا ۱۰ تا تی پی او انجام بدین بیشترش نه تنها مفید نیست بلکه مضر هم هست چون شما صرفا دارین یه سری جمله رو حفظ میکنین و هی تکرار میکنین تا ایده آل شه ولی اصلا یاد نمیگیرین که بهترین و مفیدترین قسمتای لکچرو با بهترین کلمه‌ها و گرامرها انتخاب کنید و تو زمان بگین. من از تی پی او ۲۰ تا ۴۷ همین کارو هی تکرار کردم و نهایتا تعداد ترای هام واسه هر تسک از بالای ۱۰ تا به ۵-۶ تا رسید. همش فکر میکردم باید انقد ادامه بدم که به یکی برسه و تا جایی که به یکی نرسه نرم رو حالت تست. فکر میکنم اواخر اردیبهشت بود که تو گروه از حسین پرسیدم چیکار کنم که گفت تو چون ناخودآگاه میدونی قراره دوباره همون تسکو بگی تو ترای اولت خیلی خوب عمل نمیکنی و باید رو حالت تست بزنی که یاد بگیری و بعد که هر چهارتا اسکیلو بررسی کردی چند روز بعد بیای دوباره همونا رو بگی اینجوری دیگه چیزو حفظ نکردی و یه مدت زمان گذشته و اون غلطات مرور میشه. اونجا بود که اولین بار رو حالت تست اسپیکینگو زدم و دیدم که خیلی بهتر از ترای‌های اولم میگم که دلیلشم همون چیزی بود که حسین گفت. بعد از این تی پی او فهمیدم که واقعا نمیشه همه دیتیل‌ها رو تو ترای اول تو زمان بگی و باید یاد بگیری چپو انتخاب کنی و چپو انتخاب نکنی. یه چیزیم که بود اونجا حس کردم کل زحمتی که تا اون موقع کشیدم الکی بوده و فقط رو اینتونیشن و تلفظم تاثیر مثبت داشته. بعد از اون دیگه کلا اسپیکینگو به روشی که حسین گفت انجام دادم و خیلی پیشرفتم سریع‌تر بود. برای تسک ۱ سعی میکردم روزی یه صفحه از GBE بخونم و فایلای چیت شیت و برین استورمای دیگه رو اصن نگاه نکردم دلیلشم این بود GBE مختصرتر بود و ظاهرشم خوشگلتر بود 😊 حالا شاید بقیه فایلا بهتر بودن. من تا حدود یکی

دوماه قبل از مون خیلی کم تسک یک کار کرده بودم و همش عقب مینداختم ولی دیگه تصمیمو گرفتم که هرروز کار کنم شده حتی یکی ولی کار کنم. دیگه هر چی به از مون نزدیکتر شدم بیشتر تسک ۱ رو کار کردم. تا روز قبل از مون به سوال ۳۲۰ از فایل ۳۵۰ اعلائی رسیدم که فک کنم میشه حدود ۱۶۰ تا سوال فرمت جدید. کاریم که میکردم این بود که سوالو میخوندم و سعی میکردم ذهنی ۱۵ ثانیه در نظر بگیرم و با otter ریکورد میکردم و گرامراشو بررسی میکردم. برای این فایل دوتا منبع هست یکی کانال مبینا یکی سمپل های نیوشا تو مشعل. من اوایل از ۲۵۰ شروع کردم بعد دیدم سبکم به مبینا نمیخوره چون کمتر از دلایل تکراری استفاده میکنه و دانش زبانی و اطلاعات عمومی و لغتی بالایی داره (چون دانشجوی زبانه)، ولی سبک نیوشا خیلی برام مفیدتر بود چون بلد بود چطوری دلایلی تکراریو به هر سوالی ربط بده و لهجه اش هم بهتر بود. چون برام سخت بود که سوالای فایل ۲۵۰ رو تو ۳۵۰ پیدا کنم دیگه بیخیال مبینا و فایل ۲۵۰ شدم و از همون ۳۵۰ استفاده کردم. اوایل چندبار ضبط میکردم ولی هرچی جلوتر رفت تعداد ضبطام کمتر شد و دلایل تکراری بیشتری میتونستم استفاده کنم. یه تاثیر خیلی مثبتی که سمپل های نیوشا داشت این بود که یاد گرفتم وقتی کلمه ای به ذهنم نمیرسه بجای عههههه گفتن ریتم صحبتو کندتر کنم و کلمات قبلو کش بدم که نمره ازم کم نشه. یه فایل به اسم روزان واسه دلایل طلایی تو کانال پرگار هست که لینکشو میذارم و بنظرم میتونه خیلی به درد بخور باشه اگه زود باهاش آشنا شین و تکرارش کنین. خودمم یه فایل دلایلی درست کرده بودم که کمک میکرد راجب موضوع های مختلف چه جمله هایی به کار ببرم. جمله هاشم اکثرا از لانگمن استفاده کردم ولی خیلی برام اکتیو نشده بود چون دیر شروع کردم. اونم اتچ میکنم شاید به کارتون بیاد. من خیلی دیر تصمیم گرفتم ریکوردر تافل رو نصب کنم اونجا بود که فهمیدم به صورت ذهنی ۱۵ ثانیه رو اشتباه در نظر میگیرم و دیگه لازم نبود یه برنامه برای تایمر باز باشه یکی برای ضبط صدا و راحت تر بود. تو گروه سرچ کنین #رکوردر اپش مباد. کلا بنظرم هر زمانی که تی پی او زدن رو شروع کردین و لیسینینگ و ریدینگتون استارت خورد تسک ۱ اسپیکینگ و تسک ۲ رایتینگ شروع کنین. چون برین استورم خیلی جلتون میندازه و واسه این دوتا تسک نیازی به مهارت لیسینینگ و ریدینگ ندارین. چیزی هم که هست اینه که تسک ۱ اسپیکینگ میتونه کمک کنه یاد بگیرین حرف بزنین و تسکای دیگه اسپیکینگتون تقویت شه. برای تسک یک اسپیکینگ دنبال جواب منطقی و نظر شخصیتون نباشین دنبال این باشین چه دلیل تکراری میتونه بهتون کمک کنه جواب بدین. برای اسپیکینگ باید درک درستی از سطحتون و نمره هدفتون داشته باشین که راه افکتیو رو انتخاب کنین. شما همزمان نمیتونین هم لهجه و اینتونیشنون تقویت کنین هم دیتیل دقیق از متن بگین هم دولوپ عالی داشته باشین هم ایراد گرامری نداشته باشین. باید اینارو تو اهداف کوچیکتر تقسیم کنین و همونطوری که حسین تو مشعل گفت هر بار یکتو تقویت کنین بعد برین بعدی. بنظرم از درجه اهمیت تو کسب نمره اینا مهمه: ۱) به سوال جواب درست دادن و به بیراهه نرفتن و مدیریت زمان و اختصاص ندادن وقت بیش از حد به ریدینگ ۲) غلط گرامری نداشتن یا کم داشتن ۳) تلفظ و مفهوم بودن کلمات ۴) رعایت کردن اینتونیشن و قواعد گرامری تو جمله ها (نقطه و کاما داره مکث کنی یا بین کلمات جمله خیلی عه عه نگین). شما اینارو تا حد نسبتا خوبی رعایت کنین بین ۲۵ تا ۲۷ میشین و اینجاس که دیگه پارافریز کردن و غلط کم داشتن و به سطح عالی رسوندن اون ۵ تا مورد میتونه نمرتونو تا ۳۰ بالا ببره (تجربه بیتا مهری رو بخونین ۳۰ شده اسپیکینگش تا یه درکی داشته باشین ۳۰ اسپیکینگ چی ازتون میخواد). اینارو گفتم که فقط یه چیز بگم اونم اینه که اگه نمره هدفتون ۲۵ ه دنبال استفاده از کالوکیشن و ایدیم خفن یا پارافریز نامطمئن نباشین بجاش ضعفایی که

دارین رو تقویت کنین. من هدفم ۲۵ بود بهتر بگم اگه ۲۵ میشدم بال درمیاوردم ولی به ۲۳ هم راضی بودم. سر امتحان دوتا اشتباه بزرگ کردم که اگه انجام نمیدادم بنظرم میتونستم ۲۵ شم. یکی اینکه برای تسک اول دیر دلیل به ذهنم رسید و تصمیم گرفتم یک مثال و یک دلیل بیارم بجای دوتا دلیل ولی اونقدر تحت استرسو فشار بودم که ناخوداگاه گفتم I have two reasons for this و بجای درست کردنش و گفتن one reason یا حتی رها کردنش و یه دلیل آوردن تو تایمی که داشتم دلیل اولو میگفتم دنبال دلیل دوم بودم و واسه همین خیلی نفهمیدم چی گفتم و دلیل دومم هم خیلی خوب نشد. یه دلیلشم این بود تو اون تسکایی که قبلا کار کرده بودم کلا یکی دوبار با مثال گفته بودم و آمادگیشو نداشتم. بنظرم هر دو نوع رو امتحان کنین. یه اشتباه بدتر دیگه ام این بود که سر تسک چهار دیدم صورت سوال عوض شده و دیگه اون جمله شروع رو همیشه از روش خوند (چون گفته بود با مثال X و Y لکچرو خلاصه کنین و مثل تی پی اوها نگفته بود مثلا دو راهی که حیوونا تو شرایط سخت محیطی زنده میمونن رو توضیح بدید) ولی حس کردم بیگ دیل نیست و من که نوت برداشتم بلام بگم و کل اون ۲۰ ثانیه دوتا مثالو مرور کردم. ولی تا اومدم توضیح بدم فریز شدم و جمله شروعو یادم رفت و یه چیز اشتباه گفتم و دوباره از اول یه چیز دیگه گفتم که بعدا فهمیدم اونم اشتباه بوده و همین زمان زیادی ازم گرفت و خیلی صدام میلرزید و استرس گرفتم برای ادامش و مثال دوم رو نتونستم درست و کامل بگم. بنظرم حتما حتما وویسهای حسین راجع به خودخوان اسپیکینگ رو تو مشعل گوش بدین و راه اشتباهو نرین. من یه بار برای حسین وویس هامو فرستاده بودم و بهم فیدبک خوبی داده بود یه سری پیشنهادام داد که چطوری بهتر کنم عملکردمو که سعی کردم انجامشون بدم. تو اسپیکینگ اعتماد به نفس داشتن خیلی خیلی میتونه تاثیر داشته باشه ممکنه تا ۵ نمره جابجا کنه. چون وقتی اعتماد بنفس ندارین احتمال خطاتون میره بالا و دوباره سعی میکنین از اول بگین یه چیزیه که باز زمانتون میگذره یا قفل میکنید سر دیتیلی که اهمیتی نداره. واقعا تو این تسک سعی کنین خیلی بیشتر رو اعتماد به نفستون کار کنین. مثلا واسه من تسک ۳ غول بزرگی بود چون نمیتونستم دیتیل مهمو انتخاب کنم. سر ماک اولم انقد تو جزییات مثال اول غرق شدم که مثال دومو کلا نگفتم. واسه همین یه جلسه با نیوشا فقط رو تسک ۳ کار کردیم و خیلی کمک کننده بود. من تا قبلش برای ریدینگ تسک ۳ حدود ۱۵-۲۰ ثانیه وقت میداشتم و هم دیتیل میگفتم هم معنی اون کانسپتو. ولی تو کلاسی که با نیوشا داشتم بهم گفت از ریدینگ فقط و فقط definition بگو دیتیلو قراره تو لکچر با جزییات بیشتر بگی دیگه تو ریدینگ نگو. دوتا نکته کمک کننده دیگه هم گفت یکی این بود که حرفای تکراری استاد رو ایگنور کن و وقتی به شکلاهی مختلف یه حرفو میزنه مثلا میگه فلان ناحیه خشک نیست بعد میگه رطوبت داره بعد میگه بارش داره تو فقط یکیشو بگو. بعد رفتم چندتا اسپیکینگ کار کردم دیدم خیلی این اتفاق میفته و ایگنور کردنشون میتونه زمان خوبی به ادم بده. یه چیز دیگم که گفت این بود که تو ریدینگ لکچر جمله معنی اون کانسپتو که حفظ کردی بقیه جملات رو دقت کن راجع به چی داره حرف میزنه که حتما اونارو تو قسمت لکچر پوشش بدی. بعد ۴-۵ تا تسک ۳ باهم تمرین کردیم و دیگه بعدش این تسک واسم غول نبود. حالا چون میدونم این تسک ممکنه برای خیلیای دیگه هم سخت باشه یه نمونه اشو اینجا میذارم که بیشتر متوجه منظورم شین. تسک ۳ تی پی او ۵۲ ه.

reading:

Impression Management

According to some sociologists, as we go about our lives, we try to control or manage the impression that we make on others in social situations. When we do this, we are practicing what sociologists call impression management. Even in everyday, ordinary interactions, we make special preparations-sometimes unconsciously-to convey certain information about ourselves that influences how others perceive us. These preparations often involve our personal appearance-how we look during the social interaction—as well as the social setting, which is the place where the social interaction occurs.

lecture:

Professor:

Have you noticed how...when a student gives a class presentation, it might dress just a little more formally than usual? Eh...for example, if you usually wear jeans and a T-shirt to class, you might wear nicer pants, a nicer shirt or sweater because you know, you are dressing up, you want people to know, even before you begin speaking, that you take this presentation seriously, that you've come prepared, that you are a responsible student, that you've got a good presentation for us. You get the idea. Or, Uh, here is another example. There was this one time when I knew I was going to be giving...the president of the University a ride. It was to a meeting across town. Anyway, the day before I was supposed to give him a ride, I wasn't even aware of doing this. But the day before I was supposed to give him a ride, I took the trash out of the back seat and even had the car washed. I suppose I was thinking back on my mind that you know, if my car was neat and tidy, the president would think that I was responsible and respectful. And then to top it up, when the president got in the car, I changed the radio to a classical station. Now I don't even like classical music, I guess I must be thinking that the classic music would seem more sophisticated.

به متن ریدینگ دقت کنید شما تا ۱۰ ثانیه و افکتیو ۷ ثانیه باید اون معنی که زیرش خط کشیدم رو بگین و اگه دیدین تند گفتین و وقت هست میتونین اون قسمت آبی هم بگین ولی اصلش همون جمله‌ایه که زیرش خط کشیدم. بعدش از یه ترنژیشن مثل the professor elaborates on this یا the professor provides two examples for this استفاده کنین و برین سر لکچر. ولی وقتی ریدینگو خوندین یه سری کیوردا که تو قسمت لکچر باید دنبالش بگردین رو یادتون باشه که تو ریدینگ هایلایت کردم. همونطور که میبینین تو قسمت آبی میگه این روش باعث میشه رو برداشتی که بقیه از ما دارن تاثیر بزاره. خب تو لکچر باید جاهایی که اشاره به برداشت بقیه داشته (هایلایت آبی) اشاره کنین. تو ریدینگ گفته ما با دو روش از impression management استفاده میکنیم. یکی ظاهر خودمونه یکی محیطی که اینتراکشن داریم. پس تو لکچر باید دنبال این دوتا باشیم که میشه هایلایتای زرد و بنفش به ترتیب. اون قسمت سبز به اندازه بقیه مهم نیست ولی اگه به اونم اشاره کنین که نشون بدین فهمیدین که ممکنه غیرارادی هم باشه بهتره. توصیه اکید اینه که جزییاتی که ربطی به موضوع نداره رو بیخیال شید. به این فکر کنید خود ای تی اس هم راضی نیست انقد به زحمت بیفتید وگرنه ازتون انتظار نداشت لکچر ۱۰۰ ثانیه ای رو تو کمتر از یک دقیقه بگید. جزییات منظورم چیه؟ مثلاً اون دانش آموز تو حالت عادی جین میپوشه هیچ اهمیتی نداره چون ما صرفاً باید اشاره کنیم برای پرزنتیشن رسمی میپوشه. حتی اون سه تا مورد از لباس رسمیم که مثال زده یکی دوتاش میتونه کافی باشه. اونجایی که چهارتا برداشت بقیه از رسمی پوشیدن رو گفته شمام دو سه تاشو بگین کافیه. یا neat و tidy تقریباً یه معنی میدن پس یکیش کافیه. اینکه میتینگ اونور شهر بوده اهمیتی نداره و... مثلاً تو لکچرای بیولوژی میگه این حیوون درشته تو دشت‌های شمال امریکا کنار درختان تنومند بلوط

زندگی می‌کنه. ولی از شما انتظار نمیره مشخصات حیوون رو بگین و فقط برای اینه که شما بدونین اون چیزی که می‌خوانین حرف بزنین راجیش چیه.

من برای تسک ۳ از همه تسکا بیشتر می‌ترسیدم ولی تو امتحان از همه بهتر گفتم. یعنی می‌خواهم بگم شانس و نوع سوال و لکچر میتونه خیلی تو عملکردتون دخیل باشه. مثلاً من تو اسپیکینگ S سوم شخص رو خیلی اشتباه می‌گفتم واسه همین تصمیم گرفتم کلاً هرچی لکچر گفتو من جمع ببندم که نیاز به فعل مفرد نداشته باشه. مثلاً لکچر می‌گه black ant فلان می‌کنه من تا جایی که میتونستم تبدیلیش می‌کردم به black ants که احتمال خطام بیاد پایین. یا لکچری که راجع به روانشناسیه معمولاً استاد خاطره تعریف می‌کنه مثل مثال دوم همین تسک بالایی اونجا احتمال خطا میره بالا چون باید فعلاتون همه گذشته باشه. من واسه این مشکل سعی می‌کردم وقتی نوت بر میدارم شکل گذشته فعلو بنویسم یا اگه ننوشتم تو اون تایم آمادگی فعلارو به دور مرور کنم و اونایی که ed ندارن یا شکل ساده نوشتمو گذاشتشونو بنویسم. بعد یه چیزی که هست ما معمولاً تصورمون راجع به نمره بالایی اسپیکینگ در حد نیتویه. ولی اصلاً اینجوری نیست من سمپلای دوستامو که ۲۳ و ۲۵ شده بودن شنیدم واقعا باورم نمیشد و فکر می‌کردم اون مدل جواب دادن کمتر بگیره. واسه همین سمپلای روز آخر قبل امتحانمو اتچ کردم که گوش بدین و ببینین که برای نمره ریکوایرمتا لازم نیس شاخ غول بشکینین. یه چیزیم بگم حتماً برین تلفظ کلمات تکراریو تو دیکشنری چک کنین، چون بعضی وقتا آدم خیلی مطمئن از تلفظاش ولی وقتی با دقت گوش میدین میبینین خیلی فرق داره. چیزایی که به ذهنم میرسه ایناس: professor, letter, article, agree, disagree, proposal, announcement, students, species

در کل بنظرم اسپیکینگ هرروز تو برنامه‌تون باشه مخصوصاً تسک ۱. هر تی پی او نهایتاً ۱۷ دقیقه وقت میبره و به نسبت وقتی که برای بقیه اسکیلا نیاز دارین کمتره. من از تی پی او بیست شروع کردم و تا آخر زدم و نزدیک امتحان چون می‌خواستم هرروز کار کنم از بیست به قبل زدم و تا ۵ اینا پیش رفتم و بعضی از قدیمیام دوبار زدم. درکل در حد تئوری خیلی چیزا بلد بودم 😊 ولی به عمل که میرسید استرس و کمبود اعتماد بنفس نمیداشت عملکردم خیلی خوب شه. سمپلای روز آخرمو گوش بدین قشنگ استرس تو صدام موج میزنه. واسه همین توصیه می‌کنم رو این موضوع واقعا کار کنین. در ضمن به نظرم حتماً پردیکشنارو کار کنین. واسه من تکراری نیومد ولی واسه بقیه دیدم که تو گروه بعضی وقتا تکراری میاد. سوال من تو ۳۵۰ بود ولی جوابمو یادم رفته بود چون جز سوالی اول بود که از مبینا گوش می‌کردم و جواب مبینا یادم بود و می‌خواستم همونو بگم که متأسفانه اونجوری شد که توضیح دادم. یه چیز دیگه ای هم که باید دقت کنین اینه که وقتی یه قسمتی از لکچرو اصلاً نمی‌فهمین نوتی هم ازش برندارین و ازش عبور کنین چون این نفهمیدنه تبدیل به یه عهقه طولانی تو وویستون میشه و الکی وقتتونو میگیره. نکته آخرم بگم تو امتحان فاصله بین جمله "بعد از شنیدن بیب جواب بدین" و "بیب" بیشتر از تست هلیپر و ماکه و من ناخودآگاه یکی از تسکارو زود شروع کردم و مجبور شدم دوباره از اول بگم. در کل من اسپیکینگو واقعا مدیون حسین و نیوشا و خواهرم هستم چون خودم هیچ ایده‌ای نداشتم و بلدم نبودم راه درستو انتخاب کنم. ماه آخرم سمپلای تسک ۱ رو برای خواهرم که دانشجوی زبانه می‌فرستادم و کلی از ایرادامو بهم می‌گفت که بیشترش این بود که ورد چویسم خوب نبود و کلمات بهتری پیشنهاد میداد یا تلفظای اشتباهمو می‌گفت.

منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای رایتینگ:

این تسک واسم از اولش خیلی سخت بود چون بازم پایه زبان ضعیف خیلی اذیت میکرد. توانایی بافتن خوبی داشتم ولی اون چیزایی که تو ذهنم بود معادل انگلیسی نداشت 😊 واسه همین مجبور میشدم مفهومشو تغییر بدم و نتیجه خیلی خوب نمیشد. کلاس پری تافلی که دوسال پیش شرکت کردم در حد آشنایی کلی خوب بود (فقط تسک ۲ بود) ولی من خیلی اون موقع حوصله زبان خوندن نداشتم و واسه همین نتونستم خیلی استفاده کنم. ولی توصیه اکیدم به دیدن ویدیوهای تافل ریسورسز و خوندن سمپلای مایکله. کلا برای رایتینگ هزار تا راه وجود داره و هیچکس نمیتونه بگه فقط این راه بهتون جواب میده. شما باید یاد بگیرین که چطور راه خودتونو پیدا کنین. من گرامر بتی آذر و لغات ۱۲۱۲ رو خونده بودم ولی اونقدر اکتیو نبودن که بتونن سطح رایتینگمو بالا ببرن. برای این تسک فقط و فقط نوشتن زیاد و خوندن سمپل زیاد میتونه کمک کننده باشه. دنبال دیدن هزار تا ویدیو نباشین چون فقط گیجتون میکنه. برای تسک ۱ من اوایل خیلی مشکل داشتم چون وقتی شروع کردم که هنوز لیسینینگ و نوت برداریم مشکل داشت و اطلاعاتو میس میکردم. ولی هرچی بیشتر تمرین کردم میس کردنام کمتر شد. من از تی پی او ۲۰ تا ۴۷ رو رو حالت پرکتیس زدم و واسه همین اصلا دیدی به تایم بندی نداشتم. اولین تی پی اویی که نوشتم واسه تسک ۱ حدود ۴۵ دقیقه یا یه ساعت طول کشید. و بعدش هی زمان کمتر شد تا رو ۲۷ دقیقه برای مدت طولانی گیر کردم. ولی اشتباهی که میکردم این بود که فکر میکردم زمان خوندن ریدینگ ۲ دقیقه اس بجای سه دقیقه و واسه همین خیلی هول هولکی میخوندم متنو و همین باعث میشد یا نفهمم یا اگه اشتباهم فهمیدم دیگه نتونم دوباره بخونم و سر تایم رایتینگ دوباره مجبور میشدم متنو بخونم و وقتم گرفته میشد. وقتی اولین تی پی او رو رو حالت تست زدم دیدم عه سه دقیقه وقت دارم و تو همون دودقیقه با آرامش یه دور میخوندم و یک دقیقه اخرم مرور میکردم واسه همین سرعتم بالاتر رفت و فک کنم دوسه تا تی پی او طول کشید تا هر سه تا دلیلو کامل پوشش بدم بعدش دیگه اصلا مشکل وقت نداشتم (بدون ریوایز). من معمولا ۲۷۰ تا کلمه می نوشتم و خیلی برام عجیب بود که سمپلای مینا و عباسو میخوندم ۴۰۰ کلمه مینوشتن و حس میکردم زیادی همه چیو میگن و من دارم کار درستو انجام میدم 😊 بعدش یه بار تو گروه پرسیدم و یه سمپلمو برای حسین فرستادم که گفتش معمولا افکتیو بین ۳۰۰ تا ۳۳۰ کلمه اس و کدوم پاراگرافام ناقصه. از اون بعد سعی کردم لیسینینگو با دقت بیشتری گوش بدم و هرچی که میفهممو بنویسم و تعداد کلماتمو تا ۳۴۰ هم بالا بردم. اینی که میگم معیار سنجش رایتینگ نیست بلکه با توجه به سمپلای خودم به این نتیجه رسیدم که اونایی که زیر ۳۰۰ هستن یه قسمتای مهمیو میس کردن که باید بیارم. تسک ۱ امتحانم خیلی آسون بود یعنی دیتیل خیلی کمی داشت به نسبت تی پی اوها، و فکر میکنم کامل جواب دادم. ولی نرسیدم ریوایز کنم و فقط یه پاراگراف و نصفیو ریوایز کردم. معمولا بچهها اونقدر به تسکای ایندپندنت رایتینگ و اسپیکینگ بها میدن که اینتگریتدها رو ایگنور میکنن. ولی باید بدونید که همه تسکا نمرشون مثل همه و شما باید برای همشون وقت کافی بذارید. برای تسک یک حواستون باشه که جمله ای که از ریدینگ انتخاب میکنین فصل مشترکش با لکچر باشه نه صرفا پارافریز تایپیک سنتس. اینجوری نشون میدین که فهمیدین لکچر با چه چیز متن مخالفت میکنه. برای تمرین هم من متنو کپی میکردم تو گرامرلی و کویل بات و تعداد غلطامو میدیدم ولی معیارم واسه تصحیحش بیشتر کویل بات بود تا گرامرلی چون بنظرم بهتر عمل میکرد گرچه نیاز به فیلترشکن داره. بعد غلطای گرامری و املایمو یادداشت میکردم و متن لکچرو باهاش مقایسه میکردم که کجاش ناقص بوده و چرا نوشتم.

و اما بحث جذاب تسک ۲ 😊: شما برای این تسک اول از همه نیاز به توانایی دلیل خوب آوردن دارین. برای این هم باید سمپل و برین استورم زیاد کار کنین. شما وقتی تایپیک سنتنس رو به زور و با وقت زیادی مینوسید قطعاً تو دولوپ به مشکل میخورین چون منطق خاصی تو ذهنتون نیست. این تو شاید ۱۰ تا رایتینگ اولی که بنویسید خیلی اذیتتون کنه ولی بعدش دستتون راه میفته. من برای این تسک ویدیوهای تافل ریسورسز رو دیدم و یه تمپلیت انتخاب کردم که تا روز امتحان صدار تغییرش دادم (و همینطور تسک ۱). درست یادم نمیاد ولی فک کنم اولین رایتینگم بعد شروع تی پی اوها ۷۵ دقیقه طول کشید. ولی به مرور زمان هی تایمش کمتر شد. کاری که میکردم این بود که فصلای مهم اسی اکتیویتور رو خونده بودم و سعی میکردم از چیزایی که یاد گرفتم استفاده کنم. هر رایتینگی که مینوشت همون روندی که برای تسک ۱ گفتمو انجام میدادم بعدش سمپل های عباس و مبینا رو میخوندم یا عنوانشو گوگل میکردم سمپل های سایت **testbig** رو میخوندم (این سایتو در حد برین استورم ببینین، خیلی مشکل کالوکیشنی و گرامری داره و از این نظر سمپلای عباس و مبینا بهترن). سعی میکردم سمپلای تافل ریسورسز هم بخونم ولی کم میخوندم. یه سری برنامه و پیامها و رایتینگای بهزادم تو گروه هست که توصیه میکنم اگه با مثال شخصی زدن مشکل دارید و فکچوال نویسی براتون راحت تره حتما بخونید. من خودم یه ترکیبی از تافل ریسورسز و روش بهزاد برای خودم درست کرده بودم تو یکی دوماه اخر و همون طوریم تو ماکها و امتحانم نوشتم. قسمت مقدمه بهزاد برام دولوپش سخت بود و سعی میکردم مثل مایکل (تافل ریسورسز) بنویسم. یعنی یه هوکی مینوشتم که پرش نداشته باشه نسبت به **thesis statement** م و کاری به ساید مخالفم نداشتم و فقط نظر خودمو میگفتم. بعد برای هر بادی به روش بهزاد تا جمله **stick to the topic** پیش میرفتم و دیگه بقیشو مثال شخصی میزد. چون معمولاً سوال اینکه چطور با مثال دولوپ خوبی داشته باشیم تو گروه با جواب این که "نمیشه" مواجه میشه تصمیم گرفتم چیزایی که از خوندن سمپلای مایکل یاد گرفتمو رو یه سمپلش توضیح بدم شاید مفید باشه (تو یه ماه اخر هر روز یه سمپل خوندم و به این روش تحلیلش کردم):

Do you agree or disagree with the following statement? Parents are the best teachers. Use specific reasons and examples to support your answer.

These days, homeschooling is becoming a more and more popular alternative to traditional learning methods and many parents believe that they can do a better job than professional educators. Personally, though, I do not feel that parents are the best teachers. I feel this way for two reasons, which I will explore in the following essay.

خب به جمله هوک دقت کنین بین این جمله و **thesis statement** هیچ گپی وجود نداره. یعنی خواننده گیج نمیشه خب چی شد بینش؟ مثلاً اگه هوک این بود که آموزش بچه ها امر خیلی مهم و تاثیرگذاری تو آیندشونه اونموقع خواننده میپرسید چی شد که به تدریس پدرومادر رسیدی؟ جمله هوک باید نه خیلی جزئی باشه که نظرتونو لو بده نه خیلی کلی باشه که شما نیاز به چند تا جمله دیگه داشته باشین که بتونین پیوستگی متنو حفظ کنین (اگه میخواید مثل مایکل بنویسید)

First of all, parents are biased when it comes to their own children. To be specific, most parents think that their children are the smartest kids in the world. As a result, they often teach them at an inappropriately quick pace, and mistakenly assume that they will be able to keep up. Over the course of an entire school year this can have serious consequences. An old friend of mine is a compelling example of this. Rather than attending his local public school, my friend was taught at home by his mother. His mother had good intentions, but she failed completely at teaching him math. She made the assumption that her son was able to grasp basic concepts right away and moved on immediately to advanced lessons that were above what he would have been learning at the public school. When it came time for my friend to take the annual state-mandated competency tests, he was wholly unprepared and he shocked his mom by earning a failing grade. This example demonstrates that parents are not always the best teachers.

به تایید سنتس دقت کنین: مختصر و مفید (که همینش برای من تا روز آخر سخت بود) و وقتی صورت سوال رو دوباره میخونین جواب خوبی میده. به جمله‌های قبل از مثال دقت کنین توضیح میده که بایاس بودن پدر و مادر دلیلش چیه و چرا تو روند آموزش ممکنه بد باشه؟ حالا مثالو دقت کنین و ربطشو به تایید سنتس و دولوپ ببینین. جمله‌های همرنگ تو مثال و دولوپ جمله‌های معادل هم هستن که با کلمات متفاوت و توضیح بیشتر اومدن. جمله ای که قرمز کردم هم گریزی به thesis statement هست که نشون میده مثال در راستای متنه. شما وقتی ده بیستا سمپل مایکل رو بخونین این قضیه دستتون میاد که مثالتون چطوری باشه که پرت نباشه. این پروسه واقعا زمانبره و سعی کنین زودتر شروع کنین من خیلی دیر شروع کردم و واسه همین رایتینگام گاها آف تایید میشدن و روند از دستم در میرفت. کلا هم خیلی روشمو عوض کردم تا به یه دلخواهی برسم. سعی کنین همیشه دنبال ایراداتون باشین و رفعش کنید بجای اینکه فقط بنویسید. من مدت زیادی بیشتر از ۳۶۰ تا کلمه نمیتونستم بنویسم و حتی تو زمان هم نبود و رو ۳۶ دقیقه گیر کرده بودم. دقتم که میکردم تا ۳۰ دقیقه ۳۰۰ کلمه مینوشتم و واسه همین استرس داشتم که اصن به مینیمم خود ای تی اس هم نرسم. این قضیه واسه زمانیه که ۲۷ تا رایتینگ رو حالت پرکتیس نوشته بودم و هیچوقت رو تست مینوشتم (به دلیل مشابه اسپیکینگ که گفتم و اشتباه بزرگی بود). ولی پیشرفت واقعی زمانی شروع شد که رو حالت تست مینوشتم چون میفهمیدم اونقد وقت ندارم که بخوام جمله عوض کنم و زیاد فکر کنم و از چند هفته قبل امتحانم سعی کردم هرروز بنویسم. همینا سرعتمو خیلی بالا برد و باعث شد بتونم دولوپ بهتری داشته باشم و آخرین رایتینگام همون حدود ۴۲۰ تا ۵۰۰ تا مینوشتم. یه موضوع دیگه‌ایم که خیلی کمک کننده بود این بود که از سمپلا و لانگمن یه سری جملات انتخاب کرده بودم و همونارو برای موضوعات مختلف به کار میبرد. کالوکیشن‌های بهزاد دو سه دور خوندمو تقریبا ۷۰ درصدش اکتیو بود برام و هرروز که یه کالوکیشن جدید میذاشت (تو گروه #For_the_morning_person سرچ کنین میاد) مثالارو میخوندم و دوره میکردم اون لیستو و سر امتحانم خیلی به کارم اومد. از کتاب هزار کالوکیشن فصلای مرتبط با رایتینگشو خونده بودم و به لیست موضوعی که درست کرده بودم و اتچ میکنم اضافه میکردم. یه لینک ممرايز کالوکیشنم یه نفر درست کرده بود که دو تا بخش اولش کالوکیشنای

مختلف راجع به موضوعات مختلف بود که من به بخشش خوندم و بنظرم مفید بود و بقیشم کالوکیشنای کتاب هزار کالوکیشن بود میذارم آخر تجربه. برخلاف خیلیا که میگن کالوکیشن برای نمره ۲۵ به بالا من معتقدم شما باید کالوکیشنهای موضوعیو بلد باشین که تو ذهنتون حرف برای گفتن تو رایتینگ داشته باشین. این با اسپیکینگ فرق داره چون اونجا شما زمان فکر کردن ندارین و به دیفالت برمیگردید و گرامر و کالوکیشنهای در حد ادونس نمیتونین به کار ببرین. ولی اینجا تایم برای فکر کردن بیشتره. پس بنظرم فصلهای کار، بیزنس، پول، خانواده، روابط، کاراکتر و احساسات کتاب هزار کالوکیشن و بخونید حداقل. کتاب اینترمدیت کالوکیشن این یوز هم خوبه از این نظر. من به سمپلمو واسه علی فرستادم و بهم اشکالامو گفت که تجربه‌اش رو بخونید میتونه بهتون دید خوبی برای خود تصحیحی بده. یه خلاصه از جلسه‌ام با علی بخوام بگم برای تایپیک سنتنس دنبال دلیلالی عجیب غریب نباشید و یه دلیل که منطق پذیره انتخاب کنید که برای اثباتش نیاز به صدا جمله نداشته باشید. کل متن رایتینگتونو مثل حلقه‌های زنجیر ببینید که هیچ گپی بینش نباشه. یعنی هر جمله در پاسخ به سوالی چرا؟ چگونه و خب حالا که چی باشه؟ تک تک جملات و حتی قیدها و صفت‌هایی که به کار میرین ضرورت داشته باشه و در راستای متن باشه. شما این اصول رو رعایت کنید و غلط گرامری کم داشته باشید تا ۲۸ هم میتونین خودتونو بالا بکشید. من حدود یه ماه آخر هر رایتینگ تسک دویی که مینوشتم برای خواهرم میفرستادم که مشکلات گرامری و انتخاب کلمه‌ای که کوپل بات نمیفهمه رو بهم بگه. یه مدت قبل امتحان کامل مغزم قفل شده بود و همش داشتم آف تایپیک مینوشتم که یه جلسه برین استورم با بهزاد داشتم و یه جلسه تصحیح با علی که خیلی بهم کمک کرد و بعدش رایتینگام اوکی بود دیگه. من هردوتا ماکه که دادم کانکلوزن نصفه موند یعنی حتی نتونستم جمله اولشو کامل کنم ولی ۲۷ و ۲۵ شدم. سر امتحان بخاطر خستگی زیاد ناشی از نخوابیدن اصلا نمیتونستم سر رایتینگ تمرکز کنم. حتی سوال خیلی ساده بود و دقیقا از موضوعاتی بود که من بلد بودم خوب دولوپ کنم و کالوکیشن به کار ببرم (پول و کار). ولی نمیدونم چرا یهو استرس گرفتم که نکنه به کانکلوزن نرسم و تند تند بنویسم پس. یعنی فقط داشتم مینوشتم نه مانیتورو نگاه می‌کردم که غلطامو دربارم نه به جملاتم فکر می‌کردم. وسطای بادی دومم دیدم دارم بی ربط و آف تایپیک مینویسم یعنی انگار یادم رفته بود تایپیک سنتنس چیه چی بود و داشتم یه چیز دیگه رو توضیح میدادم 😊 گفتم همینو ادامه بدم بعد که تموم شد برگردم تایپیک سنتنس و دولوپ قبلیارو درست کنم و همین سرعتمو برد بالا. آخر بادی دومم دیدم ۵ دقیقه وقت دارم و گفتم خوبه پس میرسم کانکلوزنو بنویسم و برگردم بادی دومو درست کنم. ولی وقتی کانکلوزنو تموم کردم یک دقیقه و نیم وقت داشتم و اومدم پاراگراف دومو تغییر بدم ترسیدم بدتر شه یعنی خندممش و حتی اشکال گرامریاشو درست کردم ولی انگار فریز شده بودم و نتونستم دست تو دولوپش ببرم در صورتی که خیلی کار زیادی نمیخواست و فقط باید یه سری جمله هارو حذف میکردم و تایپیک سنتنسمو یه تغییر کوچیک میدادم. واسه همین از ازمون که اومدم بیرون گفتم آف تایپیک نوشتم حتما ۲۰ اینا میشم. ولی بعدش با بهزاد حرف زدم گفت ممکنه ۲۴-۲۵ هم شی اونقدی که فکر میکنی آف نبوده و همین که میک سنس میکنه اوکیه. وقتی که نمرمو دیدم واقعا تعجب کردم چون اصلا باورم نمیشد که با اون چندتا جمله بیربط و مثال بی‌ربطتر به TS بتونم ۲۶ بگیرم.

سایر موارد:

لینک سایتا و کانالا و تجربه‌هایی که تو متن اشاره کردم یا کلا گوش میکردم و دوس داشتم رو میذارم امیدوارم مفید باشه:

<https://www.toeflresources.com/>

سایت تافل ریسورسز

| | |
|---|--------------------------|
| https://www.youtube.com/c/NoteFullTOEFLMastery | کانال نوتفول |
| https://www.youtube.com/user/smarthistoryvideos | کانال آرت هیستوری |
| https://www.youtube.com/c/GreatArtExplained | کانال آرت هیستوری بریتیش |
| https://www.youtube.com/c/crashcourse | کانال کرش کورس |
| https://www.youtube.com/c/TOEFLSpeakingTeacher1 | کانال josh |
| https://www.youtube.com/user/MagooshTOEFL | کانال مگویش |
| https://t.me/MyVoiceTOEFL | کانال مبینا |
| https://app.memrise.com/course/6083836/collocation/ | لینک ممرایز کالوکیشن |
| https://t.me/PargarTOEFLgp/1135214 | برنامه راییتینگ بهزاد |
| https://t.me/pargartoeft/1885 | تجربه یاسمین |
| https://t.me/pargartoeft/1267 | تجربه بهفر |
| https://t.me/pargartoeft/1772 | تجربه بیتا مهری |
| https://t.me/pargartoeft/2080 | تجربه علی |
| https://t.me/pargartoeft/2066 | دلایل طلایی روزان |
| 60-second science | پادکست کوتاه علمی |
| espresso english podcast | پادکست آموزش زبان |
| the english we speak | پادکست بریتیش آموزش زبان |
| 6 minute english | پادکست بریتیش آموزش زبان |
| ted talks daily | پادکست تد تاک |
| all ears english podcast | پادکست آموزش زبان |
| 30 animals that made us smarter | پادکست بریتیش zoology |
| settle the stars:the science of space exploration | پادکست astronomy |
| just the zoo of us | پادکست zoology |

جمع‌بندی:

اول از همه بگم که خوندن تجربه‌های نمره بالایی که ۹۰ درصد از ۹ سالگی تا ۱۷ سالگی کلاس رفته بودن واسه منم ناامیدی زیادی داشت چون حس میکردم چون کلاس نرفتم نمیتونم نمره خوبی بگیرم، ولی وقتی تجربه بهفر رو (۱۱۰ شده) خوندم و دیدم بدون کلاس و با برنامه هم میشه نمره بالا گرفت یکم امید گرفتم. البته اون زمان من خیلی وقت نداشتم که مثل بهفر از پایه همه چیو بخونم ولی ویدیوهای یوتیوبشو نگاه میکردم (کانالش behfar canada هستش فک کنم) و سعی میکردم چیزایی که می‌گه رو انجام بدم. برنامه #رودمپ هم برای کسانی که از صفر میخوان شروع کنن بنظرم خیلی مفیده. من شب قبل از امتحان بخاطر استرس زیاد تنوستم بیشتر از یه ساعت بخوابم. بخاطر همین با این دید رفتم که میرم

یه ۸۰ یا ۹۰ میگیرم ولی ترسم میریزه و دفعه بعدی خوب میخوابم و امتحان میدم. سر ریدینگ حس میکردم حتی نمیتونم درست کلمه‌ها رو ببینم. به ریدینگ آخر که رسیدم دیگه حس میکردم مطلقا هیچی نمیفهمم و از شانس‌م آرت هیستوری سختی بود. وقتی ریدینگ تموم شد کاملا حس میکردم ۱۸-۲۰ میشم و آخر جلسه که دیدم ۲۷ شدم واقعا باورم نمیشد. خوش شانسیم این بود که به احتمال زیاد ریدینگ آخر حذف شده بود. در کل واقعا ناراحتم که این همه مدت زحمت کشیدم و یه شبه اینطوری نابود شدم و رفتم سر جلسه ولی خیلی بیشتر خوشحالم که نمرم نسبت به اون چیزی که صبح امتحان انتظار داشتم خیلی خیلی بیشتر شد و نیازی به امتحان دوباره ندارم. در ضمن من معتقدم که بسته به شانس نمره آدم میتونه تا ۷-۸ نمره جابجا شه. منظورم از شانس عواملیه که دیگه کاری از دست آدم ساخته نیست مثل اینکه بغل دستیت چقد سروصدا کنه یا چه اسکیلی سخت بیاد یا اینکه تسکای ایندپندنت راجع به موضوعاتی بیاد که روش تسلط داری یا نه. واسه همین میگم حتی اگه کامل میخوابیدم و یه امتحان سخت‌ترو تجربه میکردم ممکن بود نمرم از این پایینتر شه 😊 من اگه به عقب برمیشتم شاید یک سوم این وقتی که برای زبان خوندن و تعداد زیاد تی پی او زدن گذاشتمو برای تراپی میذاشتم که مشکل استرسمو حل کنم که این فاجعه‌ای که شب امتحانم تجربه کردم رو تجربه نمیکردم و اون روزایی که بجای درس خوندن زانوی غم بغل میگرفتم و راجع به نتیجه اورتینک میکردم بجاش استراحت میکردم. بنظرم خیلی رو مهارت استرستون کار کنین که حداقل بخاطر اون نمره از دست ندین. اگر شب امتحان خوابتون نبرد بزارید فقط کم خوابی رو عملکردتون تاثیر بذاره نه استرس اینکه چون نخوابیدم قراره امتحانمو گند بزنم. خیلی از دوستای خودمم بودن که شب امتحان بد خوابیدن و نتیجه خوبی گرفتن. خیلی هم به حرفای بقیه گوش ندین. خیلیا به من میگفتن حتما باید کلاس اعلاایی بری حتما باید فلان کتابو بخونی و تو خیلی طولش دادی و این حرفا ولی من تاجایی که میتونستم رو راه خودم تمرکز کردم و ازین بابت خوشحالم. میدونم تجربم خیلی طولانی شد ولی چون خودم خیلی از تجربه‌ها یاد گرفته بودم سعی کردم هرچی بلدمو بگم شاید کار یه نفر راه بیفته.

تشکر:

اول از همه از همسرم تشکر میکنم که تو این مدت خیلی از خودگذشتگی‌ها کرد و تو این راه کمکم کرد. خواهرمم کلی زحمت کشید واسه رایتینگ‌ها و اسپیکینگ‌هام که ازش ممنونم. از فریناز عزیزم که از برنامه‌ها و فایلای جمع آوری شدش خیلی استفاده کردم و همیشه با مهربونی جوابمو داده خیلی خیلی تشکر میکنم. از حسین که کلی تو گروه زحمتش دادم و سوالای زیادی ازش پرسیدم و برای همه تسکا مخصوصا اسپیکینگ خیلی کمکم کرد ممنونم. از نیوشا، علی و بهزاد و همه بچه‌های گروه هم ممنونم که تو این مسیر کمکم کردن. از دوستای نزدیکمم که این مدت غرغهامو تحمل کردن و بهم روحیه دادن و از تجربیات و همفکریشون استفاده کردم مخصوصا نگار عزیزم ممنونم.